

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: تحلیلی بین کشوری

اسفندیار حیدری پور^۱

کارشناس ارشد برنامه ریزی توریسم - مدیرعامل منطقه آزاد قشم

بیژن خلیل مقدم

کارشناس ارشد مهندسی توسعه روستایی - کارشناس مطالعات اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان

مهدی راست قلم

کارشناس ارشد مهندسی توسعه روستایی - کارشناس روستاهای هدف اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان

احمدرضا مولائی

کارشناس ارشد مدیریت - معاون سرمایه گذاری و طرح‌های اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۱۷

چکیده

علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی، مفهوم نوظهور دیگری تحت عنوان «سرمایه اجتماعی» در مباحث توسعه مطرح شده است. سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از عناصر فردی و گروهی، رسمی و غیررسمی در اجتماع به همراه روابط واقعی و انتزاعی درون و بین آن عناصر، اشاره دارد که با خلق مشارکت اجتماعی^۲، انسجام اجتماعی^۳ و اعتماد اجتماعی، موجب زایش اثراتی هم‌افزا^۴ شده و در نهایت بر کلیه ابعاد توسعه تأثیر می‌گذارد. رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از جنبه‌های مطرح در خصوص مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی است که دارای ابهامات فراوانی است. مقاله حاضر با استفاده از داده‌های ۱۶۴ کشور در زمینه شاخص‌های «درصد زنان شاغل در سطوح وزارتخانه‌ای» و «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و داده‌های «سرانه تولید ناخالص داخلی»^۵ به عنوان شاخص توسعه اقتصادی و با بهره‌گیری از تحلیل همبستگی پیرسون^۶، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پرداخته است. نتایج بررسی رابطه بین سرانه تولید

ehydaripour@yahoo.com

۰۹۳۵۸۳۳۹۴۴۸

۱- اسفندیار حیدری پور (نویسنده مسئول)

2. Social Participation

3. Social Cohesion

۴. Synergic: منظور از هم‌افزا بودن اثرات مجموعه عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی این است که اثرات ناشی از روابط متقابل بین عناصر، متفاوت (بیشتر و یا کمتر) با جمع جبری اثرات تک تک آن عناصر در حالتی که هیچگونه رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، می‌باشد.

5. GDP per capita

6. Pearson Correlation

ناخالص داخلی با شاخص درصد زنان در سطح وزارتخانه‌ها، در بین کشورهای با توسعه انسانی بالا، متوسط و پائین؛ حاکی از آن است که تنها در کشورهای با توسعه انسانی بالا رابطه معنی‌دار و مثبتی بین شاخص توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی، وجود دارد. **واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی، شاخص درصد زنان شاغل، سرانه تولید ناخالص داخلی.

۱. مقدمه

سرمایه^۱ یکی از عوامل اساسی در فرآیند تولید و رشد اقتصادی^۲ است. به هر نوع دارایی که دارای قابلیت تولید باشد، سرمایه اطلاق می‌شود. شکل‌های گوناگونی از سرمایه، در مقاطع زمانی مختلف مورد توجه بوده است. در دو دهه اخیر، مفهومی در بین اقتصاددانان رواج پیدا کرد مبنی بر اینکه منافع سیستم‌های سرمایه‌داری، تنها از مزایای رقابت در بازار مشتق نمی‌شود، بلکه همکاری‌ها و تعاون بین اعضای جامعه نیز بر تولید و ایجاد منافع در جامعه مؤثر هستند. آنان این مفهوم را تحت عنوان «سرمایه اجتماعی» نام‌گذاری کرده‌اند [الوانی، ۷۹: ۷]. درباره زمان و مکان مطرح شدن مفهوم سرمایه اجتماعی، توافق قطعی وجود ندارد. بنا بر مستندات موجود، واژه سرمایه اجتماعی برای اولین بار در سال ۱۹۱۶ در آمریکا مطرح شد و در دهه ۱۹۷۰ به صورت تئوری سرمایه اجتماعی توسط لوری وارد عرصه اقتصاد شد [الوانی، ۷۹: ۴]. مفهوم سرمایه اجتماعی از اوایل دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علوم اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی شد [ازکیا و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۵]. این مفهوم در اواخر دهه ۱۹۸۰، برای اولین بار نیز توسط جیمز کلنن وارد عرصه سیاسی شد. تئوری سرمایه اجتماعی، عمدتاً با نظریه‌ی بوردیو، کلنن و پوتنام تکامل پیدا کرد [الوانی، ۷۹: ۸]. در حقیقت، بیشتر توجهات اخیر به سرمایه اجتماعی، ناشی از مطالعات پوتنام، لئوناردی و فانتی (۱۹۹۳) است که اثبات کرده بودند ایتالیای شمالی در مقایسه با ایتالیای جنوبی، در دستیابی به توسعه، دارای سرعت بیشتری بوده است. آنان دلیل این امر را وضعیت بهتر ایتالیای شمالی در زمینه شاخص‌های سرمایه اجتماعی ذکر کرده‌اند. یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در مطالعات آنان، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها بوده است [Durlauf, 2004: 6].

۲. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم مهم در عرصه توسعه است که به دلیل گستردگی ابعاد، تعریفی جامع و مانع از آن به عمل نیامده است. در عرصه‌های مختلف توسعه، بنابر توجهات خاص نظریه‌پردازان به جنبه‌هایی ویژه از سرمایه اجتماعی، تعاریف متنوعی از سرمایه اجتماعی ارائه شده است. به طور کلی تعاریف مربوط به سرمایه اجتماعی در دو گروه عمده تقسیم‌بندی شده‌اند. گروه اول متعلق به اندیشمندان کلاسیک است که در آثار آنان، واژه سرمایه اجتماعی به صراحت مطرح نشده است. کارل مارکس یکی از اندیشمندان مطرح در این گروه است. گروه دوم شامل تعاریف ارائه شده از طرف اندیشمندان معاصر است که به طور خاص مفهوم سرمایه اجتماعی را تشریح نموده‌اند. اولین نظریه پرداز در این گروه، پیربورديو است. جیمز کلنن و رابرت پوتنام از دیگر اندیشمندان مطرح در گروه دوم هستند [احمدی، ۸۱: ۱۳]. تعریف بوردیو از سرمایه اجتماعی عبارت است از «مجموعه منابع بالفعل یا

1 . Capital

2 . Economic Growth

بالمقوله که از شبکه‌ای از روابط متقابل کمابیش نهادینه شده بین افراد ناشی شده و موجب برخورداری کلیه اعضا از سرمایه جمعی و خلق اعتبار برای افراد می‌شود» [Bourdieu, 1986:15].

کلمن، سرمایه اجتماعی را بعنوان مجموعه روابط بین اعضا گروه‌ها و اجتماعات معرفی کرده که موجب شکل‌گیری اعتماد و تسهیل کنش‌ها می‌شود [March, 2000:13].

تعریف پوتنام از سرمایه اجتماعی نیز عبارت است از «مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص سازمان اجتماعی (همانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها) که کارایی سازمان را از طریق تسهیل کنش‌های هماهنگ، ارتقاء می‌بخشد» [Putnam, 1993:9]. تعاریف بوردیو و کلمن تا حدودی شبیه هم هستند. تأکید داشتن بر مبحث مشارکت فرد در گروه بعنوان منشأ سرمایه، وجه شباهت این دو تعریف از سرمایه اجتماعی است. سایر نظریه‌پردازان و اندیشمندان علوم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعاریف درخوری از سرمایه اجتماعی به اقتضای شرایط مطالعات خاص خود ارائه داده‌اند. مطالعات اکینز و همکارانش، مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی (شرکت‌ها، اتحادیه‌های خانوادگی و اجتماعی، شبکه‌ها، سازمانها، سیستم‌های سیاسی و مؤسسات آموزشی) به همراه ارزش‌های مشترک را تحت عنوان سرمایه اجتماعی معرفی کرده‌اند [Moseley, 2004:10].

کمپبل^۱ و همکارش، به نقل از پوتنام، سرمایه اجتماعی را بعنوان همبستگی اجتماع محلی، منتج از ۴ ویژگی زیر می‌دانند [Chambers, 1997:9]:

۱. مجموعه‌ای فشرده از سازمانها و شبکه‌های اجتماع محلی؛

۲. تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماع محلی؛

۳. هویت محلی قوی و مثبت و احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماع محلی؛

۴. هنجارهای تعمیم یافته مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی.

تعریف مقاله حاضر بر اساس ادبیات موجود در زمینه سرمایه اجتماعی عبارت است از «مجموعه‌ای از عناصر فردی و گروهی، رسمی و غیر رسمی در اجتماع به همراه روابط متقابل واقعی و انتزاعی درون و بین آن عناصر که با خلق مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی، موجب زایش اثراتی هم افزا شده و در نهایت بر کلیه ابعاد توسعه (توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و ...) تأثیر می‌گذارد».

از مباحث مورد مطالعه در خصوص سرمایه اجتماعی، ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. در زمینه هر کدام از این موارد، نظریات متفاوتی مطرح شده است. عمده‌ترین آنها در این مقاله ارائه می‌شود.

ناطق‌پور و همکارانش چهار عامل عمده اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت غیر رسمی و مشارکت رسمی و آگاهی و توجه را بعنوان ابعاد سرمایه اجتماعی ذکر کرده‌اند [ناطق‌پور و دیگران، ۱۳۸۴]. ازکیا و همکارش نیز ۳ مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی را که با داشتن رابطه تعاملی، تقویت‌کننده همدیگرند؛ به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی معرفی کرده‌اند [ازکیا و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶۴].

۳. سرمایه اجتماعی و توسعه

توسعه یکی از مفاهیم بسیار پیچیده است که غایت کلیه برنامه‌ها، تلاشها و اقدامات جوامع بشری می‌باشد. وجود ابعاد مختلف توسعه، دلالت بر پیچیدگی آن دارند. توسعه، فرآیندی چندبعدی و برنامه‌ریزی شده به منظور فراهم ساختن فضایی برای انسانها به منظور داشتن زندگی سالم، خلاق و مؤثر می‌باشد. یکی از ابعاد مهم توسعه، توسعه اجتماعی است. توسعه اجتماعی در واقع عبارت از بهبود کمی و کیفی شاخص‌های اجتماعی به منظور دستیابی به توسعه کلان است. یکی از رویکردهای نوین به منظور ارتقاء شاخصهای توسعه اجتماعی به منظور تأثیرگذاری بر سایر ابعاد توسعه؛ توجه به سرمایه اجتماعی است. برخی از اندیشمندان معتقدند که هنجارهای اجتماعی، فرهنگ و سرمایه اجتماعی، عناصر مرکزی توسعه هستند [March,2000:12].

توجه به سرمایه اجتماعی، نه فقط از طریق سرمایه‌گذاری فیزیکی، بلکه به صورت غیرمستقیم از طریق کاهش هزینه‌های معاملاتی و با غنی کردن کنش‌های افراد، موجب حرکت جامعه به سمت توسعه است [تشریح و معنی، ۱۳۸۱]. یکی دیگر از ابعاد مهم توسعه، توسعه اقتصادی است. توسعه اقتصادی عبارت است از:

توسعه اقتصادی، فرآیندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی؛ کاهش نابرابریهای اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (ازکیا و غفاری، ۸۴: ۱۰)

تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ و تولید ناخالص ملی (GNP)^۲ و سرانه تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص ملی^۳ نیز از مهمترین معرفهای رشد و توسعه اقتصادی کشورها هستند. موضوع رابطه سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی از دهه ۱۹۹۰ میلادی به صورت گسترده مطرح شده است. در ادبیات اقتصاد، ۲ نوع رویکرد در خصوص تأثیرات اقتصادی سرمایه اجتماعی به شرح زیر وجود دارد [شریفیان ثانی، ۲۷: ۸۴].

۱) رویکردهای کلان نهادگرا: این نوع از رویکردها، عمدتاً بر تحقیقات بین‌کشوری استوار هستند. در مطالعات مربوط به رویکردهای کلان نهادگرا، از معرفها و شاخصهای سرمایه اجتماعی (مانند انسجام اجتماعی، قابلیت‌های اجتماعی^۴ و زیرساخت‌های اجتماعی^۵) به جای مفهوم "سرمایه اجتماعی" استفاده می‌شود.

۲) رویکردهای خرد: این دسته از رویکردها به نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد شبکه‌های حمایتی به منظور ارتقاء عملکرد در بنگاه‌های اقتصادی توجه خاص دارند.

ولکاک^۶ و همکارش، طی مقاله‌ای، کلیه پژوهشهای مربوط به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را در قالب ۴ دیدگاه زیر طبقه‌بندی کرده‌اند [Woolcock and et.al,2000:8]:

الف: دیدگاه اجتماع‌گرایی که سازمانهای محلی مثل انجمن‌ها و گروه‌های مدنی را معادل سرمایه اجتماعی فرض کرده است. در این دیدگاه صرفاً وجه مثبت سرمایه اجتماعی مدنظر است و سرمایه اجتماعی که به عنوان متغیر

1 . Gross Domestic Production
2 . Gross National Production
3 . GNP per capita
4 . Social Capabilities
5 . Social Infrastructures
6 . Michael Woolcock

مستقل در نظر گرفته می‌شود، موجب ظهور اثرات مثبت می‌شود.

ب: دیدگاه شبکه‌ای که معتقد به وجود پیوندهای افقی (پیوندهای درون اجتماعی) و پیوندهای عمودی (پیوندهای بین اجتماعی) است. این دیدگاه، علاوه بر وجه مثبت، وجه منفی سرمایه اجتماعی را هم در نظر می‌گیرد. در دیدگاه شبکه‌ای، سرمایه اجتماعی، متغیر مستقل است که می‌تواند موجب ظهور اثرات مثبت و منفی شود.

ج: دیدگاه نهادی که شبکه‌های اجتماعی را متأثر از محیط‌های سیاسی، قانونی و نهادی می‌داند. در این دیدگاه، سرمایه اجتماعی، بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و چگونگی عملکرد دولت و بنگاه‌های اقتصادی نیز به نوبه خود وابسته به سرمایه اجتماعی هستند.

د: دیدگاه همیاری که از تلفیق نقاط مثبت دیدگاه‌های شبکه‌ای و نهادی شکل می‌گیرد و سرمایه اجتماعی، معادل شبکه‌های اجتماعی و روابط بین دولت و جامعه در نظر گرفته می‌شود.

علی‌رغم واقف بودن به وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در مباحث نظری، مطالعات پیمایشی و تجربی به طور قطع به این نتیجه دست نیافتند و یا اینکه حتی برخی از آنها به نتیجه‌های مغایر با آن نیز نایل آمدند. مطالعات تجربی در خصوص بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی، مبتلا به چند مشکل زیر هستند [Sabatini, 2005: 10].

۱- فقدان روش اندازه‌گیری جهانی، بطوریکه تاکنون تعریفی مورد قبول از سرمایه اجتماعی برای همه اندیشمندان ارائه نشده است.

۲- کلیه مطالعات موجود در این زمینه، بطور متفوق‌القول به وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، اعتقاد ندارند.

۳- در صورت اثبات وجود رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، نوع و جهت رابطه علی بین آنها مورد ابهام است.

برای به حداقل رساندن مشکل اول، از معرفیها، شاخصها و مقیاسهای سرمایه اجتماعی بعنوان نشانگرهای سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. رابرت پوتنام، ۸ شاخص را برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی معرفی کرده است. یکی از این شاخص‌ها، «درصد افراد شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری» است. اتناو نیز ۴ شاخص عمده را بمنظور اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی معرفی کرده است. یکی از این شاخصها، «میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی مثل انتخابات» است. تاج‌بخش نیز در سال ۱۳۸۲ «میزان مشارکت سیاسی» را بعنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است [ناطق‌پور و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴].

در مقاله حاضر، با در نظر گرفتن شاخص‌های «درصد زنان شاغل در سطوح وزارتخانه‌ای» و «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» بعنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و «سرانه تولید ناخالص داخلی» به عنوان شاخص توسعه اقتصادی کشورها، رابطه همبستگی (بدون در نظر گرفتن رابطه علی) بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. بررسی پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات تجربی اندکی در خصوص بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، صورت گرفته است. به نقل از بوگلسدیک و اسپچایک^۱، پوتنام و همکاران در سال ۱۹۹۳ با انجام تحقیق پیمایشی در مناطق مختلف ایتالیا، به این نتیجه دست یافتند که سرمایه اجتماعی در تشریح تفاوت‌های مربوط به عملکرد اقتصادی مناطق مختلف، حائز اهمیت است. این امر توسط فوکویاما^۲ در سال ۱۹۹۵ نیز اثبات شد. بوگلسدیک و اسپچایک، طی مطالعه‌ای بر روی ۵۴ منطقه اروپایی در دوره زمانی ۱۹۹۸-۱۹۵۰، به این نتیجه دست یافتند که بین فعالیت‌های مشارکتی به خصوص فعالیت‌های داوطلبانه و رشد اقتصاد منطقه، رابطه مثبت وجود دارد و رابطه شبکه‌ای، تنها محرک رشد اقتصادی منطقه‌ای نیست، بلکه سطح و اندازه پیوندهای واقعی در روابط شبکه‌ای، نیز بسیار مؤثر است [Beugelsdijk, 2007:7]. ساباتینی^۳ در سال ۲۰۰۵، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد. در مطالعه ذکر شده، بازار نیروی کار، وضعیت بهداشتی، حفاظت اجتماعی و خدمات عمومی بعنوان شاخص‌های توسعه اقتصادی و^۳ شاخص پیوندهای خانوادگی، روابط دوستانه و عضویت در سازمانهای داوطلبانه بعنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. مطالعه ساباتینی نشان داد که عضویت در سازمانهای داوطلبانه، دارای تأثیر مثبت و پیوندهای قوی خانوادگی و همچنین روابط دوستانه دارای تأثیر منفی بر عملکرد اقتصادی هستند [Sabatini, 2005:12]. کیفر و ناک^۴ در سال ۱۹۹۷ به بررسی رابطه بین عملکرد اقتصادی و سرمایه اجتماعی پرداختند. آنان از شاخص اعتماد و فعالیت‌های مدنی بعنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و از شاخص رشد تولید ناخالص ملی و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی بعنوان شاخص‌های رشد اقتصادی استفاده کردند. نتایج بیانگر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین شاخص‌های رشد تولید ناخالص ملی و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی با شاخص اعتماد بودند [Keffer and Knack, 1997:7]. هال و جونز^۵ نیز طی مقاله‌ای، رابطه بین ساختارهای اجتماعی و عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار دادند. آنان از شاخص بهره‌وری عوامل تولید به عنوان شاخص رشد اقتصادی و از شاخص ساختار اجتماعی نیز به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی استفاده کردند [Hall and Jones, 1999:13]. ناطق‌پور و همکارش نیز به نقل از افه و فوش (۲۰۰۲)، برم ورن (۱۹۹۷)، پاراگال، گلیکان و هوک (۲۰۰۲)، درآمد خانوار (یکی از شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی) را به عنوان عاملی مؤثر بر سرمایه اجتماعی معرفی کردند [ناطق‌پور و دیگران، ۱۳۸۵]. بنابر مطالعات موردی ذکر شده، شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و نتایج بدست آمده در مطالعات مختلف، گوناگون بوده است.

- 1 . Sjoerd Beugelsdijk and Ton Van Schaik
- 2 . Fukuyama
- 3 . Fabio Sabatini
- 4 . Keffer & Knack
- 5 . Hall & Jones

جدول شماره ۱: مطالعات موردی در خصوص «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»

ردیف	مطالعه	محقق	سال	شاخص‌های سرمایه اجتماعی	شاخص‌های توسعه اقتصادی	نتایج
۱	Making democracy work, Civic traditions in modern Italy.	پوتنام و همکاران	۱۹۹۳	-	-	سرمایه اجتماعی در تشریح تفاوت‌های مربوط به عملکرد اقتصادی مناطق مختلف، حائز اهمیت است
۲	Social capital and regional economic growth	بوگلسدیک و همکار	۲۰۰۳			
۳	The role of social capital in economic development, Investigating the causal nexus through structural equations models.	ساباتینی	۲۰۰۵	پیوندهای خانوادگی، روابط دوستان و عضویت در سازمانهای داوطلبانه	بازار نیروی کار، خدمات عمومی و وضعیت بهداشتی	
۴	Does social capital have an economic payoff? A cross country investigation.	کیفر و ناک	۱۹۹۷	اعتماد و فعالیتهای مدنی	رشد تولید ناخالص ملی، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی	
۵	سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران	ناطق‌پور و همکارش به نقل از هال و جونز افه، فوش برم و ران، پاراگال و همکاران	۱۳۸۴	ساختار اجتماعی	بهره‌وری عوامل تولید درآمد خانوار	

منبع: Hall and Jones, 1999:18

۵. روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و از حیث نوع، جزء مطالعات اسنادی است. از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و جستجوهای اینترنتی، مباحث تئوریک مقاله و همچنین داده‌های مورد نیاز برای تحلیل بدست آمد. داده‌های این تحقیق مربوط به ۱۶۴ کشور در زمینه شاخص‌های سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی است. داده‌های مربوط به "سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها در سال ۲۰۰۴" بعنوان شاخص توسعه اقتصادی و داده‌های "درصد زنان شاغل در سطح وزارتخانه‌های دولتی در سال ۲۰۰۵" و «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس در سال ۲۰۰۶» بعنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. متفاوت بودن سالهای مربوط به داده‌ها، به عمد صورت نگرفته است، بلکه به دلیل عدم دسترسی به داده‌های مورد نظر در یک سال واحد، از داده‌های ذکر شده استفاده گردیده است. داده‌ها، در محیط نرم‌افزار آماری SPSS وارد و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق، از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شد. لازم به ذکر است که منبع داده‌های تحقیق، «گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۶»^۱ است. کلیه کشورهای جهان در این گزارش، در سه سطح مختلف «توسعه انسانی بالا»، «توسعه انسانی متوسط» و «توسعه انسانی پایین» طبقه‌بندی شده‌اند. مقاله حاضر در

تحلیل‌های آماری، از وجود سه طبقه ذکر شده بهره برده است، بطوریکه تحلیل‌های آماری برای هر دو متغیر مورد بررسی، در چهار مرحله (کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهای با توسعه انسانی متوسط، کشورهای با توسعه انسانی پایین و کلیه کشورها) انجام شده‌اند.

۶. نتایج و بحث

در مطالعه حاضر، به منظور بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص توسعه اقتصادی و از شاخص‌های «درصد زنان شاغل در سطوح وزارتخانه‌های دولتی» و «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» به عنوان معرف‌های سرمایه اجتماعی استفاده شده است. نتایج تحلیل‌ها در ۴ قسمت مورد بررسی قرار گرفته است.

قسمت اول: سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در بین ۵۹ کشور متعلق به سطح «کشورهای با توسعه انسانی بالا» مورد بررسی قرار گرفته است. کشورهای این سطح دارای بهترین وضعیت در زمینه اکثر شاخص‌های توسعه، بالاخص شاخص «سرانه تولید ناخالص داخلی» هستند. نتایج تحلیل همبستگی حاکی از آنند که بین سرانه تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص تولید اقتصادی با شاخص‌های «درصد زنان در سطوح وزارتخانه‌های دولتی و «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد (به ترتیب با ضرائب همبستگی ۰/۳۱۴ و ۰/۲۸۶) وجود دارد.

قسمت دوم: بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در بین کشورهای با توسعه انسانی متوسط، رابطه خطی و معنی‌دار وجود ندارد. فقدان رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در کشورهای با توسعه انسانی متوسط، در مقایسه با وجود رابطه خطی مثبت و منحنی‌دار بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در کشورهای با توسعه انسانی بالا، مسلماً به دلیل وضعیت قوی‌تر کشورهای با توسعه انسانی بالا نسبت به کشورهای با توسعه انسانی متوسط، در زمینه شاخص‌های توسعه اجتماعی است.

قسمت سوم: بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در بین کشورهای با توسعه انسانی پائین، نیز هیچ گونه رابطه خطی معنی‌دار بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی با شاخص توسعه اقتصادی را نشان نمی‌دهد.

قسمت چهارم: بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در بین مجموع کشورهای حاکی از آن است که بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و شاخص توسعه اقتصادی کلیه کشورها رابطه‌ای خطی، مثبت و معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. میزان همبستگی بین شاخص «درصد زنان شاغل در وزارتخانه‌های دولتی» با شاخص توسعه اقتصادی به مراتب قوی‌تر از میزان همبستگی شاخص «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» با شاخص توسعه اقتصادی است.

۷. نتیجه گیری و پیشنهادها

سرمایه اجتماعی بعنوان یکی از مفاهیم نوین در عرصه توسعه، به دلیل گستردگی ابعاد، فاقد روش اندازه‌گیری واحد و به همین دلیل، دارای شاخصهای متنوعی است. در تحقیق حاضر، با لحاظ نمودن شاخص‌های «درصد زنان شاغل در سطوح وزارتخانه‌های دولتی» و «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» به عنوان شاخص‌های سرمایه

اجتماعی و داده‌های «سرانه تولید ناخالص داخلی» به عنوان شاخص توسعه اقتصادی، رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی، رابطه بین سرانه تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص توسعه اقتصادی با شاخص درصد زنان در سطح وزارتخانه‌ها، در بین کشورهای با توسعه انسانی بالا، متوسط و پائین؛ حاکی از آن است که تنها در کشورهای با توسعه انسانی بالا و همچنین کلیه کشورهای رابطه معنی‌دار و مثبتی بین شاخص توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی، وجود دارد. شایان ذکر است که میزان همبستگی بین شاخص «درصد زنان شاغل در وزارتخانه‌های دولتی» با شاخص توسعه اقتصادی به مراتب قوی‌تر از میزان همبستگی شاخص «درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس» با شاخص توسعه اقتصادی است.

منابع

- احمدی، ی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی. مجله سیاسی. اقتصادی. شماره ۲۲۵ و ۲۲۶، ص ۲۳۲-۲۴۴.
- ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشرنی.
- الوانی، م. و سید فقوی، ع (۱۳۷۹). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. فصلنامه مطالعات مدیریت شماره ۳۳ و ۳۴، ص ۳-۲۴.
- تشکر، ز. و م. ر. معینی (۱۳۸۱). نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴، ص ۲۵-۴۱.
- شریفیان ثانی، م (۱۳۸۴). مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی. ویراستار کیان فروزش. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و تهران.
- ناطق‌پور، م. ج. و، فیروز آبادی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ص ۵۹-۹۱.
- ناطق‌پور، م. ج. و، فیروز آبادی (۱۳۸۵). شکل‌گیری سرمای اجتماعی و فرا تحلیل عوامل مؤثر بر آن. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۸، ص ۱۶۰-۱۹۰.
- Beugelsdijk, S. and T.V, Schaik(2003). Social capital and regional economic growth. Paper submitted To ERSA, Jyvaskyla (Finland). Faculty of Economics. Tilburg university.
- Durlauf, S.N. and M, Falchamps(2004). Social Capital. CSAE, WPS/ 2004-14.
- Putham, R. 1993. Making Democracy work, Civic traditions in Modern Italy. Princeton NJ, Princeton University press.
- March, C.(2000). Social capital and Democracy in Russia. Communist and post Communist Studies. 53, P. (183-199).
- Bourdieu, P.(1986). The Forms of capital. New York, Greenwood.
- Chambers, R.(1997). General interaction participation of participatory research and Development, in power and participatory Development theory practice. Edited by Nici N. et. Al., intermediate Technology publication, London.
- Moseley, M. J.(2004). Rural Development: principles and practice, sage, publication, Lon don.
- Woolcock, M. and D, Narayan(2000). Social Capital: Implications for Development theory, Research and policy. The world Bank Research observer, Vol 15, No 2.
- Sabatini, F.(2005). The role of social capital in Economic development. Investigating the causal nexus through structural Equations Models. University of Rome la Sapienza, Department of public Economics and SPES Development Studies Research centre, University of casino, Department of Economics.

Keffer and Knack.(1997). Does social capital have an economic pay off? A cross country investigation. Quarterly Journal of economics. No 7.
Hall and Jones.(1999). Social in frastructures and economic performance.

Archive of SID